



فصلنامه

« پژوهش‌های برنامه ریزی آموزشی و درسی »

سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ - صفحات ۷۰-۵۵

 <http://dorl.net/dor/20.1001.1.22517758.2021.11.8.1.7>

بررسی رویکرد تفکر محوری در برنامه درسی ایران از دیدگاه مدرسه زندگی*

مینا رنجبری^۱، سعید مذبوحی^۲، صدرالدین ستاری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲

چکیده:

پژوهش حاضر از نوع کیفی با رویکرد نظریه زمینه‌ای است. برای رسیدن به درک عمیق‌تر، از استراتژی پدیدارنگاری کمک گرفته شده است. مشارکت کنندگان این پژوهش ۱۵ نفر از معلمان بودند که از لحاظ علمی و اجرایی در راستای هدف پژوهش، مطالعات به روز داشتند که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند تا مرز اشباع نظری انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. در انتخاب افراد نگاه متفاوت آن‌ها به پدیده مورد بررسی و علاقه‌مندی آنان به مصاحبه در اولویت قرار داشت. انتخاب داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها به صورت مستقل و اکتشافی بوده و نتایج آن بدون دستکاری ذهنی ارائه شده است. در پایان پس از تحلیل محتوای مصاحبه، نتایج حاصل طی سه مرحله کد گذاری باز (اولیه)، محوری و گزینشی (انتخابی) تهیه شد. کدهای باز شامل ۲۳ مفهوم و کدهای محوری شامل چهار مقوله خودشناسی، خداشناسی، خلقت خدا و خلق خدا استخراج گردید. هر یک از این کدها، در بردارنده نشانگرهایی است که در پژوهش به تفصیل به آنها پرداخته شده است

واژگان کلیدی: برنامه درسی ملی، تفکر محوری، مدرسه زندگی

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری تخصصی مینا رنجبری در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل است.

۱- گروه علوم تربیتی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

۲- گروه آموزش و پرورش، دانشگاه علامه طباطبائی تهران. (نویسنده مسئول) smazbohi@gmail.com

مقدمه:

امروزه در همه کشورها از جمله ایران، برنامه درسی به عنوان محور فعالیت‌های تربیتی محسوب می‌گردد. از آن جا که نسل امروز، نیازمند کسب دانش، معلومات و مهارت‌هایی هستند که متناسب با مقتضیات زندگی در زمان کنونی و نیازهای جهانی باشد و به آنها در خلق افکار جدید کمک کند، بنابراین دست اندرکاران طراحی و سازماندهی برنامه درسی، باید بتوانند با ارزش‌ترین موضوعات و دانش‌ها را انتخاب کنند. انتخاب این موضوعات باید بر فرضیه‌هایی درباره ماهیت جهان، انسان، جامعه و زندگی نیکو مبتنی باشند؛ به گونه‌ای که فراگیران را در مواجهه با پدیده جهانی شدن آماده سازند. (مرعشی، ۱۳۹۲).

برنامه درسی ملی، نمایانگر آرزوها و آمال تربیتی در سطح ملی است و طراحی و تدوین برنامه درسی ملی نوعی سیاست‌گذاری عمومی و کلی در حوزه برنامه درسی است. تدوین چارچوب برنامه درسی ملی، به‌منزله سندی اساسی و با ایهت، برای نظام آموزشی در مورد آنچه آموخته می‌شود و چگونگی آموختن آن، روش‌های ارزشیابی و پیامدهای مورد انتظار، نوعی «هدایت ملی» است. مفهوم برنامه درسی ملی را تا حدود زیادی در استاندارد کردن و استانداردسازی برنامه درسی و آموزش‌ها می‌توان درک کرد. در این برداشت از برنامه درسی ملی، ایجاد هماهنگی و عدالت آموزشی در کشور مطرح می‌شود و برنامه درسی ملی به سمت یکنواخت و یک‌دست شدن استانداردها در سراسر کشور و

تمام نظام آموزشی گام برمی‌دارد. اگر نظام تعلیم و تربیت باید به نیازهای زمان پاسخگو باشد و قابلیت‌هایی متناسب با نیازهای زمان را در اختیار نسل جدید قرار بدهد، به این نتیجه می‌رسیم که برنامه درسی، هم در عصر جهانی شدن، باید ظرفیت‌های تازه‌ای را در خودش ایجاد کند. چرا که به هر حال در نظام تعلیم و تربیت، عمدتاً تجارب و قابلیت‌ها و شایستگی‌هایی که نسل جدید پیدا می‌کند از طریق برنامه درسی است و شاید بتوان گفت که برنامه درسی، مهم‌ترین ابزار برای تحقق اهداف تعلیم و تربیت است. (شایسته فر، ۱۳۸۴) اگرچه برنامه درسی ملی در حال حاضر در حال اجراست ولی مشکلات عدیده و بنیادینی در دانش‌آموزان از حیث تربیتی و علمی همچنان دیده می‌شود به‌گونه‌ای که والدین ایرانی نیز متوجه مشکلاتی در نظام آموزش و پرورش شده‌اند، یعنی، می‌دانند که مدرسه، وظیفه‌ای را که از آن انتظار می‌رود انجام نمی‌دهد، یا به‌طور کامل از پس آن برنمی‌آید. ما در یک سیکل معیوب گرفتار شده‌ایم که به بحث کنکور و دانشگاه خوب و رشته دانشگاهی خوب منتهی می‌شود و تا نخستین سال‌های تحصیل در مدارس ابتدایی را هم تحت تأثیر خود قرار داده است. درحالی‌که انتظار این است که مدرسه، کودک را برای زندگی در جامعه انسانی تربیت کند، به او یاد دهد که در موقعیت‌های مختلف، مسائل را تحلیل کند و بهترین تصمیم ممکن را بگیرد، خلاق باشد و بتواند انتقادی بیندیشد، با آداب و رسوم و فرهنگ خود آشنا و به آن ملتزم باشد و در یک‌کلام خوب بیندیشد. (کریمی، ۱۳۹۳)

خارج می شود، برای زندگی در چنین جهان متغیری کفایت نمی کند. (اسمعیل زاده، ۱۳۹۷)

اگر ملاقات کننده‌ای از سیاره‌ای که تمام ساکنانش کاملاً منطقی هستند به زمین بیایند، بی شک در نظام آموزشی ما دلایل فراوانی برای شگفت زده شدن خواهد یافت. نه برای این که ما از ناکارآمدی این نظام بی خبریم، بلکه دلیل شگفتی وی، شیوه‌ای است که ما برای بر طرف کردن این ناکارآمدی‌ها از آن استفاده می‌کنیم. بارها و بارها به جای این که از نو طراحی کنیم سعی در اصلاح کردن داشته ایم. هنگامی که این اصلاحات هم، ناکارآمدی از آب درآمدند، رهیافت-های جبرانی فراوانی برای اصلاح خود این اصلاحات ناکارآمد پیشنهاد می‌شوند. (باقری، ۱۳۹۵)

در الگوی هدف گذاری برنامه درسی ملی ایران پنج عنصر: تعقل، ایمان، علم، عمل و اخلاق و چهار عرصه ارتباط دانش آموز با خود، خدا، خلق و خلقت به صورت بهم پیوسته و با محوریت ارتباط با خدا تبیین و تدوین می شوند عناصر پنج گانه در شبکه‌ای مفهومی، مرتبط و به هم تنیده تبیین می‌شوند و در فرآیند عملی تربیت، هر کدام از این عناصر، متناسب با نیازها و شرایط دانش آموز می توانند سرآغاز سیر تربیتی دانش آموز باشند و سایر عناصر را تقویت و تعمیق نمایند. در میان عناصر پنج گانه، عنصر «تعقل»، جنبه محوری دارد. شایستگی‌های پایه در رویکرد تعقل و تفکر براساس سند برنامه درسی ملی:

امروزه دانش آموزان ما مجبورند با جهانی رو به رو شوند که در معرض تحولات چشمگیر است؛ جهانی که در آن هر رشته از ساختارهای اجتماعی، در حال توسعه و تکامل است؛ جهانی که در آن مشاغل تثبیت شده هر روز تضعیف می‌شود و جهانی که در آن شرایط کار و توانایی-های حرفه‌ای تغییر می‌کند. ظهور فناوری‌های اطلاعاتی جدید (ماهواره و اینترنت) فرهنگ خاص خود را به جوامع تحمیل کرده است. حتی گاهی با ارزش‌های فرهنگی جامعه در اصطکاک قرار می‌گیرد که در کشور ما این اصطکاک فرهنگی به «تضاد فرهنگی» مبدل شده است. (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۶)

آنچه که امروزه هم جامعه علمی و هم جامعه عامی ما را گرفتار کرده است، حاکم نبودن جریان تفکر و خردورزی است، نا توانایی در انتخاب صحیح است. ما هنوز یک اشتباه را تکرار می‌کنیم، ما هنوز اصرار داریم که به بی‌راهه برویم. آموزش تفکر و فلسفیدن، به ما و کودکان مان کمک می‌کند که خود را مقداری تصحیح کنیم. به ویژه در جهانی که ما و کودکانمان با انتخاب-های متعددی مواجه هستیم، آموزش تفکر و فلسفیدن، ضروری است. ما دیگر نمی‌توانیم در هر زمینه، معیارهای بزرگسالان مان را به کودکان تحمیل کنیم و توقع داشته باشیم که آنها بر اساس آن عمل کنند. تازه ما توانایی تدوین چنین معیارهایی را هم نداریم. کودکان و بزرگسالان باید خود دست به تفکر بزنند و خود انتخاب کنند و خود نیز توان اشتباهات خود را پس بدهند. دیگر ارائه مقداری دانش که مرتباً کهنه شده و از دور

توحیدی» بناشده است (تفکر و پژوهش، راهنمای معلم، نامه‌ای به همکار). حاکمیت این رویکرد در برنامه درسی ملی، به معنای زمینه سازی لازم و مناسب جهت شکوفایی فطرت الهی انسان، برای دستیابی به مراتبی از نفس مطمئنه از طریق درک و استفاده مطلوب از موقعیت در راستای تحقق حیات طیبه است. در این میان، سال‌های اولیه زندگی کودک، سال‌هایی حساس هستند؛ زیرا میزان رشد در این سال‌ها، نسبت به مراحل دیگر رشد، سرعت بیشتری دارد. (کول^۱، ۱۳۹۱) به اعتقاد آیزنر، تنها هدف تعلیم و تربیت باید تقویت مباحثه و مناظره درکلاس باشد. معلمان باید بیشترین فرصت را برای تحقق چنین اهدافی در اختیار دانش آموزان قرار دهند مدارس باید توانایی‌های تفکر انتقادی دانش آموزان را در آنچه می‌بینند، می‌شنوند و می‌خوانند پرورش دهند. مدارس باید آن چنان اندیشه و تفکر دانش آموزان را تقویت کنند که بتوانند عقاید و سفسطه را از استدلال منطقی، شایستگی را از عدم شایستگی به‌ویژه در فرهنگ‌هایی که از هر سو تحت بمباران اطلاعات مختلف قرار دارند تشخیص دهند. مدارس باید به دانش آموزان بیاموزند که چگونه فکرکنند و چگونه یاد بگیرند. به عبارت دیگر، دانش آموزان باید یاد بگیرند که معمارتعلیم و تربیت خود باشند. دستیابی به چنین مهارتی، ممارست و تمرین در تجزیه و تحلیل مباحث را می‌طلبد. مدارس باید زمینه چنین ممارستی را برای دانش آموزان فراهم سازند. مدارس باید فرصت‌هایی را در فرآیند آموزش فراهم کنند که

۱- درک وجود خود، نیازها، توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و ابعاد هویت متعالی خویش
 ۲- بصیرت نسبت به آثار و پیامدهای سبک زندگی خود
 ۳- تدبیر در صفات، افعال و آیات خداوند متعال به عنوان خالق هستی
 ۴- تدبیر در نظام خلقت و شگفتی‌های آن (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱).

به دلیل گستردگی بحث، این پژوهش، عنصر تفکر را در برنامه درسی ملی موردنقد و بررسی قرار می‌دهد. یکی از بنیادی‌تری وظایف نظام تعلیم و تربیت، تربیت تفکر است. اهمیت بنیادی این وظیفه، برخاسته از نظریه تعلیم و تربیت و جایگاه تفکر در آن است. این حقیقت هم در سند فلسفه تعلیم و تربیت و هم در برنامه درسی ملی تبیین و تأکید شده است. (اعتصامی، ۱۳۹۵). برای تحقق این هدف از سال ۱۳۹۰ بر اساس طرحی که آموزش و پرورش اجرا کرد، تدوین کتاب‌های درسی بر اساس برنامه درسی ملی و منطبق با اهداف پیش‌بینی‌شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، تغییر روش‌های سنتی تدریس به دنبال تغییر محتوا و رویکرد جدید یاددهی و یادگیری در نظام آموزشی و پرورش به‌ویژه در دوره ابتدایی توجه خاص به پرورش تفکر روحیه پژوهشی دانش آموزان از نقاط قوت ساختار آموزشی ۳-۳-۶ است؛ که یکی از آن‌ها درس «تفکر و پژوهش» بود. چنان‌که در مقدمه‌ی این کتاب آمده است، هدف این درس، کمک به کودکان است تا «اهل تعقل و ایمان شوند» و از این رو «بر مبنای رویکرد شکوفایی فطرت

¹ kaul

پیشینه تحقیق:

۱- هارادا و پوشینا (۲۰۰۲) یادگیری پژوهش- محور را در برانگیختن تفکر عمیق و بیشتر کردن انگیزه دانش آموزان برای تحقیق و پژوهش، موثر دانسته اند. انگیزه‌هایی که یادگیری پژوهش - محور در دانش آموزان ایجاد می‌کند، سبب می‌شود که یادگیری قابل اعتماد و درستی پدید آید، تا از این طریق به پرسش‌های واقعی دانش آموزان پاسخ داده شود. این نوع یادگیری به دانش آموزان کمک می‌کند که تجربه‌های شخصی و محتوای برنامه درسی را با هم ترکیب کنند. به این ترتیب، یادگیری مدرسه‌ای، با زندگی واقعی کامل می‌شود. (پریوو^۱، ۲۰۱۰)

۲- مطالعه شیندی و اینامدار^۲ (۲۰۱۳) نشان داد که روش یادگیری مساله محور به فراگیران کمک می‌کند تا صلاحیت‌های فرآیندی خود، شامل مهارت‌های حل مساله، تفکر انتقادی، برقراری ارتباط، کار گروهی، خود-ارزیابی، مدیریت تغییر و یادگیری مادام‌العمر را بهبود بخشند.

۳- یالی، تیائروننگ و جیهونگ^۳ (۲۰۱۴) با مطالعه روند آموزش مهارت‌های نوآورانه دانشجویان، دریافت‌که: عوامل تأملی دانشجویان از طریق فرآیند یاددهی-یادگیری، به طور قابل توجهی منجر به بهبود توانایی تفکر تجزیه و دتخلیل دانشجویان دانشگاه شده است. در نمره

دانش آموزان بتوانند دیدگاه‌های مختلف موجود در موقعیت را دقیق بخوانند. موشکافی کنند و در زمینه‌های مختلف آن دیدگاه‌ها به مباحثه و مناظره پردازند. چنین فرصت‌های زمینه استقلال در تصمیم‌گیری، استدلال و قضاوت را در آنان پرورش خواهد داد و نحوه دفاع از قضاوت را به آنان خواهد آموخت. انتقادگری، آن‌چنان که در هنر متداول است، باید در فرآیند تعلیم و تربیت نیز مطرح گردد تا منطق و ارزیابی اندیشه‌ها، جایگزین فن نگارش در کلاس شود. (رنجبری، ۱۳۹۵) ملاک انتخاب اطلاعات را باید از جامعه گرفت. اطلاعاتی که در مدارس ابتدایی ارائه می‌شود، نباید از جمله اطلاعات تخصصی موردنیاز دانشمندان باشد. برنامه درسی در مدرسه زندگی، باید شامل شناخت مهارت‌هایی باشد که کودک در زندگی کنونی و آینده‌اش بدان‌ها نیازمند است. در ابتدا کودک باید نوشتن و خواندن زبان ملی، ریاضیات، بهداشت و تربیت‌بدنی را یاد بگیرد. به عقیده دیویی خواندن و نوشتن و مطالعه کتاب، نباید به هدف‌های تعلیم و تربیت تبدیل‌شوند و جانشین تجربه شوند. البته، این به معنی حذف کتاب‌های درسی نیست، اما نقش آن‌ها عوض می‌شود. کتاب‌های درسی برای شخص متفکر به منزله راهنماست (چری بکلو، ۲۰۰۵). از آنجایی که خلأ دیدگاه تفکر محوری و ساختن دانش‌آموزانی خلاق و کنجکاو، همیشه دغدغه معلمان متعهد و متخصصان امر بوده است، پژوهش‌های مناسبی در این زمینه انجام شده است.

¹ Prevost

² Shinde & Inamdar

³ Yali, Sun, Tianrong, Yu, Jihong, Wang

مهم‌ترین مانع یادگیری و خلاقیت است. بنابراین لازم است که روش پژوهش محور، جایگزین روش آموزشی نتیجه محور گردد.

۷- هاشمی، و شفیع، (۱۳۹۷). بررسی تأثیر آموزش‌های ضمن خدمت بر تحقق اهداف سازمانی در اداره آموزش و پرورش شهرستان جم را انجام دادند که نتایج تحقیق آنان نشان داد که: آموزش‌های ضمن خدمت، بر تحقق اهداف سازمانی در آموزش و پرورش مؤثر است. در اثر آموزش‌های ضمن خدمت، دانش شغلی و مهارت‌های فنی کارکنان رشد و افزایش می‌یابد و کیفیت کار بهبود می‌یابد و خلاقیت در کارکنان ایجاد می‌گردد، و نگرش کارکنان نسبت به مهارت‌های سازمانی افزایش می‌یابد و اهداف سازمانی در حد مناسبی تحقق می‌یابد.

۸- رحمت زهی، خدانظر؛ آذرنوش، ام البنین اخوا، محدثه و یعقوبی، معصومه (۱۳۹۷) ارزیابی اثربخشی برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت معلمان آموزش و پرورش را مطالعه کردند و نتیجه گرفتند که: آموزش ضمن خدمت، به هر صورت که اجرا شود، در صورتی که مبتنی بر نیازها و پیش دانسته‌های معلمان باشد، به کسب دانش، مهارت و نگرش سطح بالاتر و رشد فکری، حرفه‌ای و شخصیتی معلمان منجر می‌شود و در نهایت سبب بهبود شاخص‌های بهره‌وری و افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان خواهد شد.

۹- کریمی (۱۳۹۰) نیز ضمن آسیب‌شناسی و بازنمایی کارکرد اجتماعی مدارس امروز و همچنین رابطه میان زیستن و «آموختن» بر

امتحان نهایی، نمرات آزمون‌های کاربردی به طور قابل توجهی بیشتر از گروه کنترل است.

۴- کرمی (۱۳۹۴) تغییر حافظه محوری به تفکر محوری در کودکان را بررسی کرد و دریافت که کودکان در هفت سال اول زندگی، آماده فرا گرفتن اطلاعاتی جدید و محفوظ کردن آن در حافظه بلند مدت خویش هستند، ما دست اندرکاران آموزشی در تعلیم و تربیت آنان موظف هستیم که در راه رساندن فرزندانی فکور در جامعه، راهگشا و زمینه ساز بستر اندیشیدن در افکار آنها باشیم.

۵- حسنی مقدم (۱۳۹۶) با بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی در پایه چهارم و پنجم ابتدایی از دیدگاه معلمان چنین نشان داد که ۱- آموزش مهارت‌های زندگی، بر توانایی آگاهی از خود کودکان تأثیر دارد. ۲- آموزش مهارت‌های زندگی بر توانایی حل مساله در کودکان مؤثر است. ۳- آموزش مهارت‌های زندگی، بر توانایی مقابله با استرس در کودکان مؤثر است ۴- آموزش مهارت‌های زندگی، بر توانایی نه گفتن به دیگران در کودکان تأثیر دارد. ۵- آموزش مهارت‌های زندگی، بر توانایی مقابله با خشم در کودکان تأثیر دارد.

۶- فاتحی (۱۳۹۶) میزان آموزش پژوهش محور در مدارس هوشمند ابتدایی دوره اول از دیدگاه معلمان شهر اصفهان را بررسی کرد و نتیجه گرفت: که یکی از مشکلات جدی بخش آموزش کشور، آموزش نتیجه محور یا مبتنی بر حافظه است، در این روش، یادگیری مبتنی بر گفتن، شنیدن و حفظ کردن است. این رویکرد غیر فعال،

رسیدن به درک عمیق‌تر، از استراتژی پدیدارنگاری نیز چهارچوب مفهومی نظریه زمینه‌ای، بیشتر به داده‌ها و برساخته‌های کنشگران وابسته است تا به مطالعات پیشین. بدین معنا که این نظریه، داده محور است و از آزمون صرف فرضیه‌های قیاسی، اجتناب می‌کند. در این راستا، پژوهشگر تلاش می‌کند فرآیندهای مسلط را در بستراجماعی از نگاه سوژه‌ها کشف کرده و پژوهش خود را صرفاً به توضیح محض داده‌ها و واحدهای موردبررسی محدود نمی‌کند (محمدپور، ۱۳۹۲). با توجه به این شیوه، از روش نمونه‌گیری غیرتصادفی هدفمند و ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته برای به دست آوردن داده‌ها استفاده شد. مشارکت کنندگان این پژوهش ۱۵ نفر از معلمان بودند که از لحاظ علمی و اجرایی در راستای هدف پژوهش، مطالعات به روز داشتند. اینها به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و با روش گلوله برفی تا مرز اشباع نظری انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه، نیمه ساختاریافته بود در انتخاب افراد، نگاه متفاوت آنها به پدیده مورد بررسی و علاقه مندی آنان به مصاحبه در اولویت قرار داشت. انتخاب داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، به صورت مستقل و اکتشافی بوده و نتایج آن بدون دستکاری ذهنی ارائه شده است. در پایان پس از تحلیل محتوای مصاحبه، فرآیند کدگذاری باز و محوری انجام گرفت.

روایی و پایایی:

اساس آنچه در وضع موجود آموزش مدارس جاری است، موضوع «مدرسه زندگی» و «زندگی مدرسه‌ای» را به چالش کشیده است. وی عوامل استقرار مدرسه را به شرح ذیل عنوان می‌کند: فراهم‌سازی شرایط و زمینه‌های ارتجاعی و خودانگیخته در محیط مدارس، تجدیدنظر در هدف‌ها، روش‌ها و فعالیت‌های فوق‌برنامه دانش‌آموزان، توسعه و تعمیق بخشیدن به فعالیت‌های آموزشی و تربیتی از محیط رسمی مدرسه به محیط طبیعی زندگی، بازنگری محتوای آموزشی و تربیتی بر اساس مراحل تحول رشد و نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان و تبدیل زندگی مدرسه‌ای به «مدرسه زندگی» از طریق درگیر ساختن دانش‌آموزان با واقعیت‌های زندگی در قالب بازیابی تجربیات به دست آمده و فعالیت‌های اجتماعی با توجه به این که سیستم ۳-۳-۶ تاکید بر پژوهش و تربیت انسان‌های فکور دارد اکنون که بعد از گذشت سال‌های ابتدایی و دوره متوسطه خروجی‌های خود را می‌بیند، ضروری است که پژوهشگران متخصص در حوزه برنامه درسی و آموزشی و همچنین متخصصان تعلیم و تربیت، موفقیت و یا علل ناکارآمدی را در عرصه‌های گوناگون مورد بررسی کارشناسانه قرار دهند. بنابراین در این پژوهش، ما به دنبال پاسخ این سوال هستیم که: «وضعیت رویکرد تفکر محوری در برنامه درسی ملی ایران چگونه است؟».

روش پژوهش:

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی است و به روش نظریه زمینه‌ای انجام شده است. برای

هماهنگی برخوردار هستند: ۱. مدارک کافی درباره پدیده مورد مطالعه در اختیار هست. با نقل قول‌هایی که در متن آورده شده گفته‌های مصاحبه شوندگان رویدادها را به دقت توصیف کرده و زمینه و شرایط را مشخص کرده است؛ ۲. از تجربیات گذشته محقق استفاده شده است، ۳. از اجرای محدود و دوبار اصلاح برگه مصاحبه قبل از اجرای گسترده و مشورت با یک متخصص تحقیق در تدوین آن، بهره برده شده است.

یافته‌های تحقیق:

برگه مصاحبه نیمه ساختاریافته، در مورد بررسی اهداف برنامه درسی ملی، با محوریت تفکر محوری، کاملاً بر اساس بنیان نظری پژوهش و پیشینه برنامه درسی ملی و هدف در نظر گرفته شده در این پژوهش، تدوین شد که ویژگی روایی درونی و اعتمادپذیری داشت. با توجه به کیفی بودن بررسی و کاوشگری انجام شده در زمینه روایی درونی و صحت داده‌ها در قالب پژوهشی کیفی، داده‌های گردآوری شده از باورپذیری و اعتمادپذیری برخوردار هستند زیرا: الف) داده‌ها از غنای لازم برخوردارند گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه با سرگروه‌های درسی و تاثیرگذار در نظارت و اجرای سند ب) داده‌ها از انسجام برخوردار هستند، جمع‌آوری داده‌ها از طریق سؤالات دقیق طراحی شده به دست آمدند. برای مصاحبه در بررسی میدانی و بررسی‌های تکمیلی محتوایی در سند و نگاهت‌های مختلف توانایی و تسلط پژوهشگر در تحلیل برنامه درسی ملی، با توجه به مطالعات و تأمل‌های قبلی در برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی و مقاله تولید شده پژوهشگر در حوزه برداشت‌هایی، از برنامه درسی ملی و تأمل در سند ملی استفاده شده است. (سلسبیلی، ۱۳۹۳) همان‌گونه که ابوالمعالی (۱۳۹۱) به نقل از گوین، (۲۰۰۸) مطرح می‌کند اینها سه ویژگی اساسی روایی درونی در پژوهشی کیفی هستند. در مورد پایایی نیز در پژوهش کیفی، همان‌گونه که در پژوهش ابوالمعالی (۱۳۹۱) ذکر شده، معیارهای وابستگی و اتکاپذیری مطرح هستند. به دلایل زیر یافته‌های این مطالعه، قابل اتکا هستند و از دقت و ثبات و

جدول ۱- کد بندی باز از داده های استخراج شده

کد اولیه (باز)	عبارت (محتوا)
آموزش های مستقیم مهارت های زندگی	کتاب مدیریت خانواده، تفکر، سبک زندگی، تفکر و سواد رسانه ای محتوا کاملاً تفکر محور و خلاقانه داشته و به آموزش مهارت های زندگی در دختران و پسران نوجوان و جوان می پردازد.
اهمیت توجه به خودشناسی	افزایش مشکلات روحی، روانی، عاطفی، رفتاری، انگیزشی و... در نسل نوجوان و جوان کشور نشان از این دارد که تا رسیدن به کمال مطلوب در زمینه خودشناسی و تاثیرات یا پیامدهای مثبت حاصل از این شناخت در کاهش نابهنجاری ها، مسیر طولانی در پیش است
تناسب کتاب ها با ویژگی های رشد دانش آموزان	کتاب ها باید در همه پایه ها متناسب با ویژگی های رشدی و شناختی دانش آموزان ارائه گردد و مهم تر از آن رویکردی جدی، رسمی و مثبت در تدریس آنها و به ویژه از سوی افراد متخصص فن وجود داشته باشد
اهمیت تفکر تربیت کنجکاوی	تفکر فلسفی و انتقادی برای رشد همه جانبه انسان در زندگی لازم است و انسانی که مسلح به این نوع تفکر باشد کمتر دچار چالش های بی راه حل می شوند. بنابراین به نظر لازم و ضروری می آید آموزش تا پایان دبیرستان نه برای پر کردن مغز بچه ها با انواع حفظیات که برای آماده کردن آنها برای زندگی در اجتماع است. ای کاش کنجکاوی در دانش آموزان تربیت شود. زیرا به دنبال آن، کند و کاو در خلقت خود جهان و ... و خلاقیت و پویایی و تلاش برای رشد همه جانبه میسر بود
تحلیل گری خلاقیت و نوآوری	بچه ها نسبت به قبل تا حدودی تحلیل گر شده اند اما من فکر نمی کنم که این مساله ربط زیادی به آموزش های من داشته باشد بلکه دانش آموزان از طرق دیگر مانند رسانه ها، اینترنت و ... آموزش می بینند در دوره ابتدایی، دانش آموزان حتی برای خلاقیتشان از مسائل زندگی روزمره استفاده می کنند. برای مثال در پایه ششم دست سازه ای که می سازد چیزی است که از قبل دیده است و اکنون برای یادگیری به کار می برد و می سازد. اگر درست آموزش داده شود، خلاقیت و نوآوری و به ویژه تفکر انتقادی تقویت می شود مبحث خودکاوی مبحثی تازه وارد نظام آموزشی است که اگر اهمیت و ارزش آن به طور رسمی به معلمان و دانش آموزان شناسانده شود خروجی کار، نتیجه مطلوبی برای جامعه بحران زده امروز خواهد داشت.
فاصله از هدف	متأسفانه امروزه شاهد آن هستیم که درصد بالایی از دانش آموزان و اولیای آنها به ویژه در دوره متوسطه سعی در پرورش قوای ذهنی نه برای تفکر و تأمل بلکه برای موفقیت در کسب نمرات بالا، قبول شدن در مدارس استعدادها درخشان، قبولی در کنکور و تحصیل در رشته ای که شرایط مالی خوبی در آینده ایجاد می نماید دارند و از یادگیری و آموزش مهارت های ابتدایی و چه سطح بالا، تفکر در مورد پدیده ها، حل مسائل و رشد هوش هیجانی در زمینه های خودشناسی و ارتباط با دیگران غافل مانده اند
تقویت بصیرت	با درک زیبایی های خلقت دیدگاه انسان نسبت به زندگی زیباتر می شود، برای پذیرش هر چیزی ادله لازم را می خواهد که به چگونگی خلقت خداوند آنرا مرتبط کند. معلم آگاه به روش های حل مساله به درستی می تواند این کنجکاوی را در بچه ها پرورش دهد و درک و بصیرت و شناخت آنان را تقویت نماید.
هویت مذهبی	از جمله مفاهیمی که ذهن دانش آموزان را درگیر خود می سازد شناخت هویت از جمله هویت مذهبی در رسیدن به ثبات در آن است. این که من کیستم؟ از کجا آمده ام؟ به کجا می روم؟ چه سرنوشتی خواهم داشت و...
سبک زندگی متفاوت	با وجود برنامه ریزی در زمینه تألیف دروس یا کتب درسی تفکر محور و یا آموزش های غیر رسمی از سوی آموزش و پرورش، هر چند تمامی دانش آموزان متوسطه به سمت رویکرد تفکر و پژوهش محوری سوق داده می شوند، اما بطور نسبی میزان توانمندی دانش آموزان در استفاده از مهارت های زندگی در قسمت تفکر انتقادی و تا حدودی روابط بین فردی و تصمیم گیری در حد متوسط و میزان برخورداری دانش آموزان در مهارت تفکر خلاق، حل مساله گفتگو، مدارا کردن و مقابله با هیجانات منفی کمتر از حد انتظار است. یادگیری مهارت زندگی و کاربرد آن تاثیرات مثبت و مستقیمی بر سبک زندگی افراد دارد هر چه یادگیری مهارت ها افزایش یابد زندگی با طعم آرامش و سلامت روان همراه خواهد بود. این امر نیز در بین دانش آموزان بطور نسبی و در حد متوسط دیده می شود.

تحطی معنویت و جهان بینی درست	با وجود آنکه علاقه به خداشناسی و ارتباط قلبی با او در دانش آموزان دیده می شود، اما هنوز تحطی معنویت و جهان بینی درست وجود دارد.
ایمان به یقین پی بردن به اهمیت تفکر محوری	باور این نکته که اصلی ترین هدف انسان، تقرب به خداوند است و رشد و کمال انسان و در نتیجه رستگاری اوفقط با گام برداشتن به سوی این هدف میسر می شود. در این صورت نوجوان با یقین به ایمان می رسد و تحت تاثیر کورکورانه باورهای مذهبی اطرافیان قرار نمی گیرد. چنانچه زمینه لازم در مدرسه برای اجرای محیط تفکر محور فراهم باشد، به عبارت دیگر معلمان و عوامل اجرایی مدرسه آگاهی لازم و کافی از اهمیت استقرار این رویکرد را داشته باشند می توانند با حداقل امکانات دیدگاه و بصیرت بچه‌ها را باز کرده و منجر به درک صحیح از رابطه بین پدیده‌ها شوند و دریابند که پدیده‌های وجودشان از خودشان نیست، برای موجود شدن نیاز به پدیدآورنده‌ای دارند که خودش پدیده نباشد بلکه وجودش از خودش باشد همانگونه که چیزهایی که شیرین نیستند برای شیرین شدن، نیازمند به چیزی هستند که خودش شیرین باشد.
گرایش به خالق	بسیاری از روانشناسان بر این باور هستند که در دوره نوجوانی، گرایش به خالق بروز می کند و نوجوان به سوی تفکر انتزاعی، استقلال و فرضیه سازی پیش می رود.
مدیریت رابطه ها فراهم بودن زمینه بصیرت	در یک نگاه، نسل جدید از لحاظ برقراری ارتباط، حفظ و مدیریت رابطه‌ها بسیار فقیر هستند و ما شاهد آن هستیم که اختلالات رفتاری چون پرخاشگری، عدم رعایت حریم خصوصی دیگران، پرتوقعی، فرار از مسئولیت، تهدید کردن، بی اعتمادی، نافرمانی، حمایت مفرط و بیمارگونه بسیاری از والدین... در حال افزایش است. ولی در عوض گفتگوی سازنده و موثر، بخشش، گذشت و... که لازمه شکل گیری و حفظ روابط انسانی است رو به کاهش است. زمینه لازم برای رسیدن به این بصیرت در محتوای کتاب‌های مختلف درسی گنجانده شده است که فقط نیاز به مهارت یاد دادن و انتقال آن هست.
کلیشه ای نبودن کتاب‌های درسی	بازنگری محتوای کتب بویژه کتاب‌های حوزه دینی و مذهبی، نه به گونه سنتی و کلیشه ای و نیز سرمایه گذاری جهت تهیه، تولید و پخش فیلم‌ها و برنامه های مستند و سازنده و فارغ از هرگونه سوگیری افراطی بسیار ضروری است.
مدیریت هویت دینی	برای آن که رشد باورهای دینی و ارتباط خالق و مخلوق به زیبایی تحقق یابد، نیازمند یک کلیت جامع، پویا، مدرن است که پاسخگوی نیازهای فکری و روحی نسل جدید باشد و بتواند بحران هویت مذهبی آنها را در دوران نوجوانی مدیریت کند.
مهارت تجزیه و تحلیل	لازمه تفکر به ویژه پرورش تفکر انتقادی، آن است که در ابتدا دانش و آگاهی معلمان در ارتباط با توانایی‌های شناختی، استدلال و تفکر ذهنی، فکر باز و جسورانه افزایش یابد و فرصت انجام این کار داده شود تا زمینه بروز این نوع تفکر در دانش آموزان ایجاد گردد.
تغییر نگرش‌های کتاب‌های درسی	آموزش‌هایی که به آنها داده شده اکثراً سرسری و فقط برای رفع تکلیف است و می‌دانند که کارهایی که انجام می‌دهند و قرار است بررسی شود و کسانی که برای بررسی می‌آیند، بیشترشان اطلاعات لازم را ندارند. مهارت‌های زندگی از جمله پرورش تفکر انتقادی، مورد توجه و تاکید نظام آموزشی قرار گرفته است و اکنون نیز محتوای برخی از دروس در کتاب‌های مطالعات اجتماعی، ادبیات براساس این نوع تفکر پایه گذاری و یا تجدید نظر شده‌اند پرورش تفکر انتقادی و ارزشیابی منطقی و درست مسائل تنها با یک معلم و در یک درس و یک کتاب نمی‌تواند با موفقیت به انجام برسد این آموزش باید در تدریس درس‌های گوناگون صورت بگیرد.
هوش هیجانی	دیدگاه اساسی در برقراری شناخت متقابل و ارتباط با دیگران، خودشناسی و شناخت دیگران است. عوامل زیادی در شکل گیری این شناخت‌ها تاثیرگذار هستند که میزان اهمیت دادن به پرورش هوش هیجانی یکی از آنهاست. هوش هیجانی به درک درست روابط بین فردی و مدیریت رابطه‌ها می‌انجامد
ریشه نگاه و اندیشه انسان بصیرت	هرکس با بینش و نگرش خاص خود به سراغ هدفی می‌رود. اگر کسی چنین بیندیشد که کمک به دیگران ارزشمند است و می‌تواند روحیه بی نهایت طلب او را سیراب کند و پاسخگوی استعدادهای گوناگونش باشد، می‌کوشد به دیگران کمک کند. کسی هم که فکرمی‌کند باشهرت می‌تواند به این نتایج برسد، همه زندگی خود را در مسیر رسیدن به شهرت قرار می‌دهد. پس این اختلاف در هدف‌ها، ریشه در نوع نگاه و اندیشه انسان دارد. اندیشیدن در خلقت خداوند و کندوکاو در اسرار جهان نیازمند اندیشمند انسانی اندیشمند است. زیرا هدف تفکر انتقادی درک زیبایی‌های واقعی جهان و درک ارتباط آنها با خالق است که نیازمند بصیرت است.

جدول ۲- کدهای باز، محوری و گزینشی استخراج شده از داده های کیفی

ردیف	کدهای باز	کدهای محوری	کدگزینشی (انتخابی)
۱	آموزش مستقیم مهارت های زندگی		خودشناسی
۲	اهمیت توجه به خودشناسی		
۳	تناسب کتاب ها با ویژگی های رشد دانش آموزان		
۴	تفکرهدف پنهان کتاب های درسی		
۵	خودکاوی نیاز جامعه		
۶	خلاقیت، نوآوری و تحلیل گری		
۷	هویت مذهبی		خداشناسی
۸	ایمان به یقین		
۹	قحطی معنویت و جهان بینی درست		
۱۰	گرایش به خالق		
۱۱	مدیریت هویت دینی		
۱۲	کلیشه ای نبودن کتاب های درسی		
۱۳	تاثیر تفکر محوری در طول زمان		تفکر محوری
۱۴	مهارت تجزیه و تحلیل		
۱۵	تغییر نگرش کتاب های درسی		
۱۶	ریشه نگاه و اندیشه انسان		
۱۷	سبک زندگی متفاوت		
۱۸	مدیریت رابطه ها		
۱۹	هوش هیجانی		خلق خدا
۲۰	بصیرت		
۲۱	تقویت بصیرت		
۲۲	فراهم بودن زمینه بصیرت		
۲۳	پی بردن به اهمیت تفکر محوری		
		خلقت خدا	

بحث و نتیجه گیری:

برنامه درسی ملی، در سطح اهداف کلی، شامل پنج بخش است که عبارتند از: تفکر، تعقل / ایمان / علم / عمل / اخلاق. در میان عناصر پنجگانه، عنصر تعقل و تفکر از جایگاه نخست و محوری، و عنصر ایمان و باور، از جایگاه دوم برخوردار است و سه عنصر علم، عمل و اخلاق به عنوان عناصر برخاسته از تفکر و ایمان یا متکی به آن دو تعریف و تبیین می شوند. به نظر می رسد که به صورت ضمنی، این نسبت بین عناصر حکایت از

آن دارد که هدف کلی "پرورش انسان عاقل" خواهد بود که مراتب بعد یعنی مومن بودن، عامل بودن، متخلق بودن، نیز جزئی از این هدف است. (حسینی، ۱۳۸۹)

در تعلیم و تربیت هرآنچه می تواند انسان را رشد و تعالی دهد، تفکر است. با تفکر می توان به اصلاح و تربیت نفس پرداخت. در واقع تفکر، شرط ضروری بهره مندی از اختیار و تصمیم گیری است. زیرا تصمیم گیری وقتی میسر می شود که

کاهش بوروکراسی در آموزش و پرورش، زمینه مشارکت و خلاقیت را تسهیل می‌کند که این امر، خود تحولی بزرگ در جهت توسعه دانش و فناوری در نظام آموزشی و جهانی شدن آن محسوب می‌شود. نکته دیگر در این زمینه این است که با کاهش بسیاری از مقررات دست و پاگیر اداری در آموزش و پرورش، آزادی عمل و انعطاف پذیری قابل توجهی در مورد اجرای امور پیش می‌آید و نظام آموزشی که رسالتش شکوفا ساختن استعدادهای بالقوه دانش آموزان است، بهتر می‌تواند بستر مناسب توسعه دانش و فناوری را در هزاره سوم فراهم کند. (تصدیقی، ۱۳۹۰) این یافته با نتایج مطالعات هاروارد و یوشینا (۲۰۰۲)، یالی و همکاران (۲۰۱۴)، حسنی مقدم (۱۳۹۶)، فاتحی (۱۳۹۶)، کریمی (۱۳۹۰) همسو است.

خداشناسی: فرد برای رسیدن به شناخت خداوند، نخست باید به خودشناسی درستی رسیده باشد. تا باورهای درستی در او شکل بگیرد. در این راستا، محتوای کتاب‌ها به ویژه کتاب دین و زندگی، از حالت کلیشه ای باید خارج شوند و متناسب با رویکرد تفکرگرایی چیده شوند و معلم مربوطه نیز با آمادگی و آگاهی لازم از این رویکرد پا به کلاس درس بگذارد. برای موفقیت در این عرصه، خانواده نیز باید در راستای فعالیت مدرسه حضور داشته باشد. بنابراین بعد خانواده را نباید نادیده گرفت. در غیر این صورت، تضاد هویت دینی در دانش آموز تشدید می‌شود. یکی از مهم‌ترین دلایل قحطی معنویت و فقدان جهان‌بینی مناسب در بین

انسان قبل از آن به درستی به تفکر پرداخته باشد. این امر در تربیت دانش آموزان بسیار مهم است.

خودشناسی: مسلماً سوق دادن دانش آموزان به سوی تفکر و پژوهش کردن، به مهارت آموزی آنان منجر می‌شود و تاثیر مثبتی بر انتخاب‌ها یا تغییر سبک زندگی آنان دارد به‌عنوان مثال، ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی، آگاه نبودن به جنبه‌های مختلف خود (خودشناسی) است. اگر مهارت خودباوری در افراد تقویت شود، شهامت نه گفتن در آنها به‌وجود می‌آید و از رخ دادن بسیاری از آسیب‌ها جلوگیری می‌شود. با درگیرکردن دانش آموز در فرآیند آموزش و پرداختن آنها با اطلاعات و ایده‌ها، دانش جدید ساخته می‌شود. دانش آموز با درک و فهم جدید خود، برای تشکیل دیدگاه‌های شخصی نسبت به جهان پیرامون خود در فرآیند یادگیری مشارکت می‌کند و این چیزی است که در آموزش و یادگیری پژوهش-محور اتفاق می‌افتد. دانش آموزان با کند و کاو پیرامون خود، به معرفت عمیق تری از هستی و خالق آن می‌رسند. به نظر می‌رسد که نظام آموزشی مبتنی بر نظریه بوروکراسی، نمی‌تواند یک نظام آموزشی خلاق و پویا باشد و استعداد های بالقوه دانش آموزان را شکوفا سازد، زیرا با داشتن مقررات و قوانین ثابت آموزشی و اداری، از رشد و خلاقیت آنان جلوگیری به عمل می‌آورد. بوروکراسی اگرچه مزایایی برای سازمان‌ها در بر دارد، ولی دارای آثار منفی نیز هست از جمله: خشکی و انعطاف ناپذیری، جمود شخصیت، خود محوری، جابه جایی هدف و وسیله و... (پورمحمد، ۱۳۹۲)

جدیدی در آغاز شکل گیری و اجرا، با موانع و مشکلاتی روبه روست. استقرار محیط تفکرمحوری نیز از این امر مستثنا نیست. نسل جدید از لحاظ برقراری ارتباط، حفظ و مدیریت رابطه ها بسیار ضعیف هستند. به گونه ای که ما امروزه می بینیم که اختلالات رفتاری چون پرخاشگری، عدم رعایت حریم خصوصی دیگران، پرتوقعی، فرار از مسئولیت، تهدید کردن، بی اعتمادی، نافرمانی، حمایت مفرط و بیمارگونه بسیاری از والدین.... در حال افزایش هستند و در عوض، گفتگوی سازنده و موثر، بخشش، گذشت و... که لازمه شکل گیری و حفظ روابط انسانی است، رو به کاهش است. یافته های این پژوهش با مطالعات شیندی و اینامداری (۲۰۱۳)، یالی و همکاران (۲۰۱۴)، کرمی (۱۳۹۴)، هاشمی (۱۳۹۷)، کریمی (۱۳۹۰) همسو است.

خلقت خدا: با پرورش فکر در محیط تفکرمحوری، فرد با دیدگاهی بازتر به جهان و پدیده های آن می نگرد. لازمه اندیشیدن در خلقت خداوند، وجود انسان اندیشمند است. درک زیبایی های واقعی جهان و درک ارتباط آنها با خالق، نیازمند بصیرت است. هرکسی که اندکی تأمل کند، می بیند که در جست و جوی سرچشمه خوبی ها و زیبایی ها در درون خویش است و تا به آن منبع نرسد، آرامش نمی یابد و از پای نمی نشیند. زمینه لازم برای رسیدن به این بصیرت، در محتوای کتاب های مختلف درسی گنجانده شده است. فقط نیاز به مهارت یاد دادن و انتقال آن است. این که چرا با وجود زمینه مناسب در کتاب ها، جوانان فقط ظاهر زیبایی ها را می بینند و

جوانان، وجود این تضادهای بی نتیجه است. رویکرد تفکرمحور، زمانی می تواند در مدارس کشور گسترش یابد که شیوه تدریس و آموزش، محدود به کتاب های درسی نباشد. به گونه ای که دانش آموزان به گسترش دانسته های خود از طریق بررسی منابع و کتاب های دیگر علاقمند باشند. همچنین روش های تدریس از حالت سنتی خارج شود و همراه با جدیدترین شیوه ارائه شود. و عادت کردن به تفکر کلیشه ای و تجربیات تکراری، راه را برای تفکر و خلق اندیشه های نو می بندد. گاه افکار نوین و اندیشه های غیرمعمول، مورد تمسخر برخی از مسئولان و معلمان قرار می گیرد که می تواند نقش کلیدی در پنهان کردن اندیشه های نو و یا حتی خودسانسوری داشته باشد. فرهنگ سازی در زمینه فراهم کردن بستر مناسب برای استقبال از اندیشه ها، از رده های بالای دست اندر کار آموزش و پرورش تا به پایین لازم و ضروری است. این یافته با نتایج مطالعات (کیان، ۱۳۹۹). مطالعات شیندی و اینامدار (۲۰۱۳)، یالی و همکاران (۲۰۱۴)، کرمی (۱۳۹۴) و هاشمی (۱۳۹۷) همسو است.

خلق خدا: یکی از وظایف اصلی مدرسه، آماده کردن دانش آموزان برای روبرو شدن با اتفاقات زندگی واقعی است که لازمه آن درست اندیشیدن است. تقویت هوش هیجانی، راه رسیدن به این هدف را هموارتر می سازد. فردی که هوش هیجانی بالایی دارد از نظر اجتماعی سرزنده و شاداب و مثبت اندیش، نگرانی از آینده ندارد و احساس همدلی بالایی دارند، انتقادپذیرند و به توانایی های خود باور دارند. هر روش

ماند. بنابراین در ابتدا، تربیت معلم ورزیده و کارآمد در جهت پیشبرد اهداف در اولویت است. زیرا معلم، به عنوان نخستین پایه بحث در کلاس، مجری و هدایتگر این طرح، نقش کلیدی را ایفا می‌کند که به قول معروف: «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست».

از درک رابطه بین پدیده‌های جهان تا حدود زیادی عاجز هستند و بی‌تفاوت از کنار آنها می‌گذرند جای تامل دارد. وجود نظام آموزشی پویا، لازمه رویکرد تفکرمحور است. یعنی تنوع و نوآوری در تدریس باید زیاد باشد و نظام آموزشی باید از حالت حفظیات، بطور جدی خارج شود. این یافته با نتایج مطالعات کرمی (۱۳۹۴) حسنی مقدم (۱۳۹۶)، یالی و همکاران (۲۰۱۴)، فاتحی (۱۳۹۶). همسو است.

آمادگی و پذیرش اجتماعی در عملی شدن این رویکرد، به قدری حائز اهمیت است که اگر پذیرش از سوی اجتماع صورت نگیرد، پیامدهایی جبران ناپذیر بر جای خواهد گذاشت. بنابراین این عرصه نیز، مانند دیگر برنامه‌های نظام تعلیم و تربیت، نیازمند مطالعه، پژوهش و تعمق بسیاری است، تا به ناهماهنگی در بخش‌ها و عدم اجرای صحیح، یا به بن بست رسیدن و تردید جامعه درباره آن منجر نشود. پذیرش اجتماعی با آموزش و اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها و مطبوعات، آموزش و پرورش همگانی و... می‌تواند به موفقیت در اجرا و اثربخشی این رویکرد کمک کند. آموزش کودکان به‌وسیله مربیان ورزیده در این طرح، از اهمیت بالایی برخوردار است. اگر آموزش را مربی ناآزموده و غیرحرفه‌ای بر عهده گیرد که با مهارت‌های فلسفی تفکر و استدلال و به چالش کشیدن آنها در این زمینه آشنا نباشد و خودش عامل به علم خویش نیست، ضایعه‌ای بر جای خواهد گذاشت که جبران آن به سادگی امکان‌پذیر و اثرات آن سال‌ها در زمینه تربیتی و آموزشی، به‌طور کاملاً محسوس بر جای خواهد

منابع و مأخذ:

۱. اعتصامی، م. (۱۳۹۵). جایگاه تفکر برنامه درسی ملی رشد، آموزش قرآن و معارف اسلامی. جلد ۲۹، شماره ۱
۲. اسمعیل زاده، تیمور (۱۳۹۷). اثربخشی چندرسانه‌ای فلسفه برای کودک بر حل مسئله دانش‌آموزان پایه ششم ابتدایی. دوره ۱۲
۳. برنامه درسی ملی (۱۳۹۱). تهران: شورای عالی آموزش و پرورش
۴. تصدیقی، محمدعلی و فروغ تصدیقی، ۱۳۹۰، آسیب شناسی نظام آموزشی ایران در افق ۱۴۰۴، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران، پژوهشکده سیاستگذاری علم، فناوری و صنعت
۵. حسنی مقدم، ش. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش مهارت‌های اساسی زندگی در معلمان دوره ابتدایی از دیدگاه چهارم و پنجم. دومین همایش ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش
۶. حسنی، محمد (۱۳۸۹). نقد الگوی هدف‌گذاری سندبرنامه درسی ملی ایران. فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی درسی ایران، سال پنجم، شماره ۱۸، پاییز ۸۹، ۸۹-۱۱۹
۷. رنجبری، مینا (۱۳۹۷) مدرسه زندگی، رویکردی نوین در آب. گامی بسوی توسعه کشور. نشر مکارمی
۸. رحمت زهی، خ. آذرنوش، یاغوبی، م (۱۳۹۷). ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی ضمن خدمت مراحل تدریس معلمان. یازدهمین کنفرانس بین‌المللی روانشناسی و علوم اجتماعی. تهران: همایش مهر شرق
۹. رنجبری، مینا (۱۳۹۵). پایان نامه، مقایسه کیفیت زندگی تحصیلی مدارس عادی و مدرسه زندگی دانش‌آموزان پسر پایه چهارم تهران.
۱۰. سلسبیلی، ن. (۱۳۹۵). ارزیابی برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس معیارهای برگرفته از مبانی نظری رشته برنامه درسی. مجله مطالعات برنامه درسی (J.C.S.). جلد ۱۱ (۴۱); ۲۰۱۶، ۶۵-۹۸
۱۱. سلیمانی، توران، مولانپناه، محسن، رنجبری، مینا (۱۳۹۶) عوامل موثر و بازدارنده رویکرد تفکر محوری در برنامه درسی ملی ایران، فناوری آموزشی و یادگیری، ۱۰، ۳
۱۲. شایسته فر، عباس (۱۳۸۴). اثرات جهانی شدن بر برنامه درسی. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه اصفهان، گروه علوم تربیتی و روانشناسی
۱۳. فاتحی، م. (۱۳۹۶). بررسی یادگیری مبتنی بر پژوهش در مدارس هوشمند ابتدایی دوره اول از دیدگاه معلمان شهر اصفهان. چهارمین کنفرانس بین‌المللی یافته‌های نوین علم و فناوری. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی
۱۴. کرمی، زهرا (۱۳۹۴). تغییر حافظه محوری به تفکر محوری در کودکان، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش

21. Prevost, E. (2010). Developing a culture of inquiry in elementary schools: The role of the teacher-librarian. Edmonton, Alberta: Department of Elementary Education

22. Oliva, P. F. (2005). Developing the Curriculum. Sixth ed. Boston, Ma: Pearson Education, Inc.

23. Yali, Sun, Tianrong, Yu, Jihong, Wang (2014). College students' innovative thinking ability training process and the observation result, Applied Mechanics and Materials Vols. 672-674 (2014) pp 2241-2244

24. Shinde, V. V., & Inamdar, S. S. (2013). Problem-based learning (PBL) for engineering education in India: Need and recommendations. Wireless Personal Communications 69(3),1097-1105

25. Yali, Sun, Tianrong, Yu, Jihong, Wang (2014). College students' innovative thinking ability training process and the observation result, Applied Mechanics and Materials Vols. 672-674 (2014) pp 2241-2244

حکمت مرتضوی، موسسه آموزش عالی مهر
اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار

۱۵. کریمی، عبدالعظی م. ۱۳۹۰. همانندی-

های مدرسه زندگی بازندگی مدرسه ای، فصلنامه

تعلیم و تربیت، شماره ۱۱۱

۱۶. کیان، مرجان وهمکاران(۱۳۹۹). مدرسه

خلاق، چگونگی و چستی آن، نوآوری‌هایی

آموزشی، پاییز ۹۹

۱۷. کول، ونیتا.(۱۳۹۱). برنامه آموزش پیش

دبستانی. ترجمه فرخنده مفیدی. تهران. سمت

۱۸. مرعشی، منصور. مهرعلیزاده، یدالله

(۱۳۹۲). جهانی شدن و اثرات آن بر اهداف برنامه

درسی نظام آموزشی ایران، مجله علوم تربیتی

دانشگاه شهید چمران اهواز، شماره ۱، ص ۷۴-

۵۱

۱۹. محمد پور، ع.(۱۳۹۲). روش تحقیق

کیفی ضد روش (منطق و طراحی در روش

شناسی کیفی). تهران: جامعه شناس.

۲۰. هاشمی، سید احمد و شفیعی، حسین،

(۱۳۹۷) بررسی تأثیر آموزش‌های ضمن خدمت

بر تحقق اهداف سازمانی در اداره آموزش و

پرورش شهرستان جم، سومین کنفرانس بین‌المللی

پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و

روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران.